

از «آوار اطلاعات» تا «تمای بی خبری»



لیدا فخری دبیر گروه اندیشه

زندگی اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی و اقتصادی هر فرد، از «منظومه فکری» اش نشأت می گیرد. بی اغراق بخش قابل توجهی

از این «منظومه» را ما رسانه‌ها می‌سازیم؛ ردیای رسانه در زندگی امروز ما از هر زمان دیگری پررنگ‌تر است. اگر از این بُعد به شغل مان بنگریم عظمت رسالت رسانه و حساسیت کار خبرنگاری بیش از پیش آشکار می‌شود. یک دهه پیش، با شوق، «هر شهروند یک رسانه» را انتظار می‌کشیدیم و با شغف از ظهور «شهروند خبرنگاران» خبر می‌دادیم. غافل از اینکه روزی در میان «آوار اطلاعات» همین شبکه‌های اجتماعی و شهروند-خبرنگاران چنان گیر بیفتیم که ندانیم «درست» کجاست و «راست» کدام است! گاهی آنقدر خسته‌ایم از حجم اخبار و خرده اطلاعاتی که بر سرمان آوار می‌شود؛ که «بی‌خبری» را تمنا داریم. مصرف زیاد اطلاعات بی‌هدف و پراکنده ما را از خوانش‌های هدفمند باز می‌دارد و حتی برای برخی از ما مطالعه را به فرآیندی بس دشوار بدل کرده است که از هضمش عاجزیم.

اگر عصر مدرن «مصرف گرایی» را ترویج کرد، شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های مدرن هم «پُرخوری ذهنی» را برایمان تجویز کردند؛ پُرخوری که با رصد و خوانش بی‌هدف و گذرای

همزمان عاجزیم.

اگر عصر مدرن «مصرف گرایی» را ترویج کرد، شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های مدرن هم «پُرخوری ذهنی» را برایمان تجویز کردند؛

پُرخوری که با رصد و خوانش بی‌هدف و گذرای

زهی عشق زهی عشق که معشوق شما یید



میثا بنینی خبرنگار

زمستان ما، گنجایش هزار بهار را دارد. هزار بهار و هزار شکفتن، که در لبخند توجاری است هم وطن و وطن ما، جغرافیایی است که نام مقدس ایران بر تاژک

آن می درخشد و به پشتوانه بزرگی پروردگار و به برکت این نام است که هنوز سربلند و استوار ایستاده‌ایم. ۲۶ سال پیش با عشق، با شور، با تپش و با عطش به میان شما آمدم. ۲۶ سال است که با همان اشتیاق و عشق نخستین، که هنوز در مُرکب قلم‌هایمان و در خون رگ‌هایمان جاری است، هر روز و هر روزه به میان شما می‌آیم که «ایام را مبارک باد از شماست. مبارک شما یید. ایام می‌آیند تا به شما مبارک شوند.» و ما غیرتمندان به میان شما می‌آیم تا در عصر دود

و آهن و سیمان، گوش شنوای دردهایتان، چشم بینای رنج‌هایتان و زبان و صدای درآشنای اندوهتان باشیم. تا در میان نابرابری‌های عصر برابری، از دوش روختان خستگی برداییم. ۲۶ سال است که هر روز نوچوتر و پیشروتر از گذشته کوشیده‌ایم تا از خود پیشی بگیریم و خوانش پذیرتر به میان شما آییم. کوشیده‌ایم که در فرود و فراز الکلنگ رخدادها با عبور از رنج، دانایتر شویم و در زمین خوردن‌های مکرر در شیب تند زندگی، دوباره و دوباره و دوباره برخیزیم تا روشن‌تر از اینجا و اکنون چون درخت بلوطی، که هیچ پرف و بارانی ریشه‌هایش را خسته نمی‌کند، خستگی ناپذیر و

ایران

مناحب امتیاز:

خبرگزاری جمهوری اسلامی

مدیر عامل و مدیر مسئول:

مهدی شفيعی

سر دبیر:

جواد دلیری

معاون بازرگانی مؤسسه

فرهنگی مطبوعاتی ایران:

حامد ممذی

معاونین سر دبیر:

امیر یوسفی، سرگه بار سفیان، حسین مسلم

ایران ۱۴۰۰ با ریشه اما نوگرا



سهیل معینی مدیر مسئول ایران سپید

«بخوان! ایران بخوان!» این شعار و تبلیغ در آن سال‌های آغاز دهه هفتاد خبر از آمدن رسانه ای جدید می‌داد. روزنامه‌ای که از نامش برمی آمد قرار است بازتاب دیدگاه‌ها و خواسته‌های گروه‌های متنوع جامعه و اقوام رنگارنگ ایران عزیز باشد. ایران آمده بود تا فضای رسانه‌ای را متناسب با تحولات روز و نیازهای نسل بالنده متولد پس از انقلاب یا بالغ شده پس از انقلاب و جنگ را بازتاب دهد، موجی که در جامعه مخاطب نیز ایجاد کرد موفقیت در این امر را نشان می‌داد. در این نوشتار مجالی برای پرداختن به ربع قرن فعالیت‌های این رسانه نیست اما آنچه از آن گریزی نیست آینده و چگونه بودن و چگونه شدن رسانه‌ای با این سابقه در



تیم ملی «ایران»



حامد جیرودی خبرنگار

شاید برای خیلی از علاقه‌مندان به فوتبال پیش آمده باشد که خودشان را جای ستاره‌های محبوب‌شان در تیم‌های بزرگ گذاشته باشند. برای چیزی فراتر از خوشن سرچشمه می‌گیرد و آن فراتر، شما یید. زهی عشق زهی عشق که معشوق شما یید.

حضور در یک تیم بوده است. چه بسا که کار ما

شاید تیمی است.

یک بازیکن پاس می‌دهد (خبر می‌دهد)، یک بازیکن گل می‌زند (تیتربیک می‌گیرد) و یک نفر دروازه‌بانی می‌کند (اجازه از دست رفتن خبر مهم را نمی‌دهد یا خبر بیهوده را ارائه نمی‌دهد)، یک نفر سرمربی است (سر دبیر) و یک نفر هم مدیر تیم (مدیر روزنامه). سال ۸۳ که وارد روزنامه «خبر ورزشی» شدم و در ادامه به روزنامه‌های دیگر از جمله روزنامه

اصیل جامعه ایران. بازتاب جامعه‌ای که می‌داند از کجا آمده است و میراث هویتی او چیست اما ذهنی باز نسبت به تحولات زمانه دارد.

رسانه ایران باید متواضع نسبت به ارزش‌ها و باورهای اکثریت اما صدای اقلیت‌های مختلف جامعه باشد. ایران ۱۴۰۰ که طلیعه سال‌های آغازین قرن جدید شمسی است از تمام ابزارهای نوین ارتباطی بویژه بسترهای الکترونیک، برخط و چند رسانه‌ای بهره خواهد گرفت اما نگاه نوگرای آن در شکل و فرم باقی نمی‌ماند بلکه عرصه‌ها و رویدادهای نوظهور را به قالب خبر، گزارش و تحلیل می‌کشد. طیف وسیع نیاز نسل‌های بالنده را می‌کاود و کوشش می‌کند به بیش موجود مردم نسبت به رویدادها عمق ببخشد نه کمیت و حجم. اگر از ایران گذشته فقط یک میراث را باید نگاه داشت جسارت در باز کردن عرصه‌های اطلاع رسانی منطبق با نیاز روز است.

آغاز و پایان یک داستان جذاب

در یکسال گذشته با استودیو تصویری خبر به تکامل رسید.

با در نظر گرفتن تمام محدودیت‌ها و مشکلات، خوشحالم که توانستیم همه در کنارهم کار حرفه‌ای و متفاوتی را در میان رسانه‌های ایرانی داشته باشیم.

به‌عنوان کوچک‌ترین عضو این تیم، امیدوارم که مسیر و جریانی که آغاز شده با قدرت به‌کار خودش حتی در غیاب من ادامه دهد و هر روز پیشرفت بیشتری داشته باشد.

روزی که از مسکو به تهران بازگشتم، به خودم قول داده بودم که روزنامه‌نگاری نکنم و به مسیر دیگری بروم اما وقتی وارد تحریریه شدم، تمام آن قول و قراری که با خودم گذاشته بودم از یادم رفت.

همیشه به دوستانم می‌گویم: «تحریریه اعتبار دارد و منم معتادم.» در طول این داستان جذاب، من در کنار شما با اتفاقات روز ناراحت شدم، خندیدیم و به این فکر کردیم که چگونه صدای متفاوتی برای مخاطبان باشیم. از همه شما همکاران جان، مدیران و بخصوص سردبیر روزنامه به‌خاطر اعتمادشان ممنونم و تا باد چنین بادا...

ما آدم‌ها

هرمقطع از زندگی،

داستان خودمان

را می‌نویسیم و آن

را بازی می‌کنیم،

هرداستان شروع و

پایانی دارد. روزنامه

ایران و کار کردن در کنار روزنامه نگارانی که

هرکدام برای خودشان، داستان‌ها و حرف‌هایی

دارند، بی‌شک تجربه متفاوتی در زندگی

من بوده و مسیری را که آغاز کرده‌ام حالا در

نزدیکی‌های خط پایان است و باید به چالش

تازه‌ای برای ادامه زندگی فکر کنم. همیشه برای

هرداستان، زمان خاصی را قائلم و حالا زمان

آغاز ماجرای دیگری است.

داستان من با روزنامه ایران از آذرماه سال ۹۷

شروع شد. سعی کردم همواره با ارائه ایده‌ها و

کارهای متفاوت حس خوبی در میان روزنامه

نگاران «ایران» ایجاد کنم.

ماجرا با این ایده آغاز شد که سعی کردم، خود

بچه‌ها را در مرکز یک کار متفاوت رسانه‌ای قرار

دهم و از ظرفیت‌های‌شان برای روزنامه استفاده

کنم. این ایده با راه‌اندازی پاکست شروع شد و

ورزشی به موانع و مشکلات مختلفی که در

«گل» رفتم، مثل این بود که به یکی از تیم‌های

استقلال یا پرسپولیس رفته‌ام اما وقتی سال ۹۶

به روزنامه ایران آمدم، انگار به تیم ملی دعوت

شدم؛ رسانه‌ای که دست کمی از تیم ملی در

رسانه‌ها ندارد.

روزنامه ارگان دولت که در واقع پلی بین مردم

و مسئولان است. رسانه‌ای که در بخش‌های

سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و

ورزشی به موانع و مشکلات مختلفی که در

صفحه آرایی: حجت حکیمی (دبیر)، محمدعباس پور، دنیاحق‌شنو، امیدبحری

مهدی‌ماه پیگر، روشنگرنوی، پرویز آرموده، حسن بربری، مهدی بخشی

تصویر و ویر استاری: محسن جانی‌پور (دبیر)، احمدتهوری، فریباجمالی، مریم‌فریدنییا،

زینب رجبی، علیرضا آبابی، داریوش کمالی‌پور، آراد، حمید رضا شیخی، حمیدکر معلی،

مجیدگرامی، مهدی کلهر نژاد، نسرين خادمی

حروفچینی: ابراهیم نجفی (دبیر)، مجید سلطانی، علیرضا خاموشی، سمیه

اینانلو، امیرسعادت‌کاشانی

آنانلین: سارا محقق، راضیه خویینی، سهیلا نوری، سعیده احسانی، راد، فاطمه جعفری، آرزو

کیهان، ناهید پروری، آذین آقاچانی، بیتا میرعظیمی، یاسمن صادق‌شیرازی، حمید حاجی‌پور

شبهه‌چجانی: محدثه سنایی، شهباز رحمانی

سایت: محمد نیکفر و علی بیرقدار

لیتوگرافی و چاپ: بابک اسکندر نیا (مدیر چاپ)، محمدرضا قادری، سیدجواد

شریفی، روح‌الله‌مظمی، محمد آقازمینی، محمود حمیدی، محسن ظریفی، مهدی

انصاری، امیرمحمد قادری، غلامرضا علیچانی، آرم، حسن مشهدی‌ملک، مرتضی

شکوهی، اکبر باباخانی، سجاد اصل رضایی، مصطفی فتحعلی‌پور و فرهاد صادقی

تدارکات: مجتبی‌تکلو

پایاداری: اسماعیل علوی (دبیر)، مرجان فندی

جهان: زهرا غلامی (دبیر)، زهرا صفاری

تاریخ: حسن معیبدی (مسئول صفحه)

چندرسانه‌ای:

عکس: ابو الفضل نسائی (دبیر)، رضا معطریان، امیر رجبی، سجاد صفری،

علی‌ممذی

آرشیو عکس: ابراهیم جیدری، شیدا میر وهابی، زینب نجفی

فیلم: ناصر حبیبیان، مصطفی وهابی، حسین نقی زاده، احمد شاهمرادی،

صد ا و پاکست: سهیل سرانیان

ایران عصر: فرناز حسینی زاده

مدیر هنری: محمد طاهری

دبیر اجرایی: جواد عبدی

ناظران: حسن ابراهیمی، سعید ایتانلو، ناصر نوذری

دفتر سردبیری: رامین افشاری

رئیس دفتر مدیر عامل: رضادریش